Archive of SID

بررسی زیبایی‌شناسی نور در قلمرو سبک تِنبریسم (از اوایل قرن۱۵م. تا به امروز)

جلال‌الدین سلطان کاشفی
استاد دانشکدهٔ هنرهای تجسمی، گروه آموزشی نقاشی، دانشگاه هنر، تهران
Email: J.soltankashefi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

چکیده:

درقرن ۱۷م. کاراواجیو، نقاش ایتالیایی، ضمن به‌کارگیری سبک باروک، با نگاهی خاص به نور و سایه خود مبتکر سبکی می‌گردد که، «تِنبریسم» خوانده می‌شود. بدین ترتیب، هنرمندان دیگری نیز تحت تاثیر نور قرار می‌گیرند و در این ارتباط به کنکاش می‌پردازند. لذا، هدف از نگارش این مقاله، بررسی زیبایی‌شناسی نور در قلمرو سبک تِنبریسم می‌باشد. پرسش اصلی این پژوهش این است که، اگر نور که در گذشته به‌عنوان عنصری مقدس ستوده می‌شد، چگونه در قرون بعدی به پدیده‌ای زمینی در آثار هنرمندان غربی بدل می‌گردد؟ سپس، به‌عنوان یافته‌های این پژوهش، می‌توان چنین اظهار نمود که، تِنبریسم پدیدار شدن نور از درون تاریکی است؛ چراکه گروهی بر این اعتقاد پای می‌فشارند که همه چیز از دل تاریکی زاده می‌شود. در اساطیر یونان، آپولون، خدای روشنایی، سوار بر ارابه‌اش همه‌جا نور می‌پراکند، تا بر تاریکی غلبه نماید. یا در قرون وسطی نیز نور با خداوند هم‌ذات پنداشته می‌شود. هم‌چنین، به‌عنوان نتیجه حاصل شده باید گفت که، در برخی از نقاشی‌های این هنرمند، نور به روی موضوع اصلی متمرکز می‌شود و بقیه فضای تصویری در تیرگی قرار می‌گیرد. در واقع، چنین پنداری تنها از انگیزه‌های اسطوره‌ای سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از تفکرات روشن‌فکرانه نیز به‌وجود می‌آید که در این واکاوی به آن‌ها اشاره می‌گردد. روش پژوهش، تحلیلی- تطبیقی است؛ گردآوری منابع مورد نیاز، کتابخانه‌ای و در برخی موارد استفاده از مآخذ معتبر اینترنتی می‌باشد.

واژگان کلیدی: تِنبریسم، کیاروسکورو، کاراواجیو، نور در بستر تاریکی، دُ لا تور، وان راین

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

نور و سایه یا به دیگر سخن، کیاروسکورو[۱] در طول تاریخ، همیشه انگیزه‌ای ارزشمند جهت شکل دادن به آثار هنری، به‌ویژه، در قالب هنرهای تجسمی بوده است و هنرمندان بسیاری با به کارگیری این پدیده، گاه، جهت حجم نمایی و گاه، برای اِلقا نمودن نوری مقدس و یا گاه، با اغراق در این وادی جهت شکل دادن به فضایی تخیلی آثاری به‌وجود آورده‌اند که به‌عنوان شاهکارهایی در زمینه هنرهای دیداری معرفی شده‌اند؛ هم‌چنین، هنرمندانی به نور، جنبه نمادین بخشیده‌اند و آن را مظهر ارزش‌های الهی و ملکوتی دانسته‌اند و گروهی دیگر، آن را از دریچه علم فیزیک پدیده‌ای مادی و این جهانی به حساب آورده و به آن صورتی زمینی داده‌اند و دسته‌ای دیگر نیز در قرن ۱۷م. بر این اعتقاد بوده‌اند که هستی و یا موجودیت هر پدیده‌ای توسط نور از دل تاریکی[۲] به‌وجود آمده است (آیتو، ۱۳۸۶: ۳۴۱). سرانجام، برخی از نقاشان غربی آثاری را خلق کرده‌اند که نور، مستقیما به روی موضوع اصلی متمرکز گشته و بقیه فضای اثر در تاریکی باقی مانده است. بدین ترتیب، برای آگاهی یافتن از علت‌ها، ابهامات و عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری این پندار -که به تِنبریسم[۳] شهره گردیده- در این تحقیق، نویسنده بعد از اشاره‌ای مختصر به پرسش‌ها، پیشینه و روش تحقیقِ اتخاذ شده، ابتدا، به بررسی ریشه واژه تِنبرسم و کیاروسکورو پرداخته، سپس، نگاهی به زمینه‌های تاریخی سایه‌روشن و سبک تِنبریسم و یا به دیگر سخن، کاراواژیسم[۴] انداخته و متعاقبا، به معرفی برخی از هنرمندان و بررسی عوامل تاثیر گذار در آثار یاد شده همت گماشته و سرانجام، نظری اجمالی به دست آوردهای تِنبریسم، از قرن نوزدهم تا به امروز نموده است، هم‌چنین، در این جست و جو پرسش‌هایی مطرح گردیده که در ذیل این سطور به آن‌ها اشاره کرده و اجمالا، در بخش نتیجه‌گیری به ابهامات ایجاد شده پاسخ داده است.

پرسش‌های پژوهش

۱) نور که در گذشته‌های دور، به‌عنوان عنصری الهی و مقدس ستوده می‌شد، چگونه در قرون بعدی تغییر معنا می‌یابد و در زیر چتر تجربه‌های جدیدِ علمی به پدیده‌ای زمینی و عنصری مادی در هنر هنرمندان غربی بدل می‌شود؟

۲) شدت بخشیدن به سایه‌روشن (کیاروسکورو) قبل از شکل‌گیری سبک تِنبریسم در هنر نقاشی وجود داشته است؟ یا این مهم زاییده سبک نام برده می‌باشد؟

۳) ویژگی‌های سبک تِنبریسم، تنها در هنر نقاشی به منصه بروز و ظهور می‌رسد؟ یا در دیگر هنرهای تجسمی نیز متجلی می‌گردد؟

پیشینه پژوهش

آن‌چه اهمیت و ضرورت نگارش این تحقیق را روشن می‌سازد، فقدان کتاب و مقالاتی است که در زمینه «زیبایی‌شناسی نور در قلمرو سبک تِنبریسم» به رشته تحریر درآمده و به چاپ رسیده باشد. لذا، با توجه به تحقیقات انجام شده در این خصوص باید گفت که، نویسندگان بسیاری درمورد آثار به جا مانده از «تِنبریسم» مطالبی نگاشته‌اند، که جای تعمق دارد؛ لیکن، آن‌گونه که در این تحقیق دنبال می‌شود، به صورت تطبیقی و قیاس آن‌ها با یک دیگر به بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد تشابه و تفاوت‌ها و تفکرات برخاسته از «کیاروسکورو» یعنی تصورات مبتنی بر «سایه‌روشن‌های ملایم و شدید» در فضای تصویری و ویژگی‌های تِنبریسم نپرداخته‌اند. لذا، در این مختصر، ضمن استفاده از کتب و مقالات دیگر، نگارندگانی که در مورد کاراواجیو و سبک تِنبریسم، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم (به شکلی آشکار و یا در هاله‌ای از ابهام) قلم زده‌اند، مانند ه. و. جنسن[۵] (۱۳۵۹)، در کتاب «تاریخ هنر» به صورت غیر مستقیم تنها اشاره‌ای گذرا به کاراواجیو دارد[۶] یا هلن گاردنر[۷] (۱۳۶۵)، در کتاب «هنر در گذر زمان» به هنرمند یاد شده می‌پردازد و **نگاهی** کوتاه به تِنبریسم می‌کند.[۸] یوروارد ور هاروارد، آرناسن[۹] (۱۳۶۷)، در کتاب «تاریخ هنر نوین» توجهی به پیامدهای این سبک در آثار هنرمندان نوگرا نمی‌نماید.[۱۰] هِربِرت رید[۱۱] و گروهی از مولفان (۱۳۶۷)، در نگارش کتابی به نام «کتاب هنر»، ضمن اشاره به دست آوردهای کاراواجیو[۱۲] و برخی از نقاشانی که متأثر از او شده‌اند، اشاره‌ای غیر مسقیم به سایه‌روشن‌های شدید وی می‌نمایند؛ لیکن، به تِنبریسم و علت شکل‌گیری آن نمی‌پردازند.[۱۳] هم‌چنین، فردریک هارت[۱۴] (۱۳۸۲)، در کتاب «سی و دو هزار سال تاریخ هنر» به زندگی نامه و برخی از خصوصیات آثار میکلانژلو مِربزی و یکی از شاگردانش به نام آرتِمیسیا جِنتیلِشی[۱۵] می‌پردازد؛ اما از کیاروسکورو و تِنبریسم مطلبی ارائه نمی‌دارد.[۱۶] دنیس اِسپور[۱۷] (۱۳۹۲)، در کتاب «انگیزه‌های آفرینندگی در سیر تاریخ هنرها»، ضمن توجه به هنر عصر باروک، مختصر

www.SID.ir

Archive of SID

اشاره‌ای به برخی از آثارکاراواجیو می‌نماید.[۱۸] مریلین اِستاکستاد[۱۹](۱۳۹۵)، در کتاب «تاریخ هنر»، نگاهی به زندگی نامهٔ مِریزی و برخی از آثارش دارد؛ لیکن، توجهی به موضوع مورد بحث یعنی تِنبریسم و فلسفهٔ وجودی آن نمی‌ورزد.[۲۰] لذا، عمیقاً، نپرداختن به این مهم در کُتب و تحقیقات یاد شده سبب گردیده، تابه واکاوی در سبک نامبرده- با توجه به توهمی که از سه‌بعدنمایی و یا برجسته‌نمایی در آثار «تِنبریسم» یا به عبارتی دیگر، «کاراواژیسم» ایجاد گشته است - پرداخته شود.

روش پژوهش

در این جست وجوی، روش تحقیق اتخاذ شده به لحاظ جنبه‌های تاریخی، پژوهشی توصیفی است؛ تا به ابهامات موجود، از طریق پرسش‌های مطرح شده، پاسخ داده شود. هم‌چنین، در این واکاوی، این مهم با نگاهی تحلیلی ادامه می‌یابد؛ تا روابط مابین آن‌ها، به‌خوبی، بارز و آشکار گردد. به خصوص در این تحقیق، سعی بر آن شده است تا به گونه‌گونی فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مذهبی، اجتماعی، قومی وسُنتیِ به‌وجود آمده، اشاره شود. سرانجام در این پژوهش، گردآوری منابع و اطلاعات مورد نیاز نیز کتابخانه‌ای می‌باشد. هم‌چنین، در این ارتباط از مآخذ و سرچشمه‌های اینترنتی معتبر نیز استفاده می‌شود. در واقع، مبنای تحلیل‌ها ابتدا، بر اساس آگاه شدن از ریشه مفاهیم برخی از واژه‌های کلیدی مانند لغت تِنبریسم و کیاروسکورو -که در برخی از طراحی، نقاشی، چاپ‌های دستی دوران گذشته و تعدادی از دستاوردهای هنرعکاسی معاصر جریان داشته است - شکل می‌گیرد؛ تا بتوان در این تحقیق به نتیجه‌ای روشن دست یافت.

بررسی واژه تِنبریسم و کیاروسکورو از منظر اتیمولوژی[۲۱]

برای آگاهی از نگرش نویسندگان و هنرمندانی که به سبک تِنبریسم و از این رهگذر به کیاروسکورو در آثارشان پرداخته‌اند، ضروری می‌نماید که قبل از هر سخن، ابتدا، نگاهی به ریشه و مفهوم واژه‌های یاد شده و علت شکل‌گیری آن‌ها انداخته شود، تا مخاطب به‌خوبی، بتواند به تصورات و نیات کسانی که در تجسم بخشیدن به فضای آثارشان از واژه‌های مطروحه سود برده‌اند، واقف گردد.

واژه تِنبریسم(Tenebrism) از کلمهٔ لاتینی تِنبرو (Tenebrea)، یعنی غوطه ور شدن در بستر تاریکی، سرچشمه می‌گیرد که زمینه‌های مذهبی و اعتقادی در مسیحیت دارد. «تِنبرو به سه روز آخر «هفته مقدس»، یعنی هفته معروف به «صلیب عیسی» اطلاق می‌شود که در آن روزها مسیحیان شمع روشن می‌کنند»(Aryanpur, 1986: 2285). در واقع، در این سه روز مقدس، مسیحیان در پرتو نور شمع امورات خود را می‌گذرانند و «تاریکی» و حزن و اندوه را به «روشنایی» ترجیح می‌دهند. آنان در این ایام به عبادت می‌پردازند و نگاهی دراماتیک[۲۲] به زندگی دارند. این حزن و اندوه، و سوگواری به طور نمادین، از پنجشنبه‌ای که شام آخر شکل می‌گیرد آغاز و تا یکشنبه‌ای که عیسی مسیح به سوی خداوند، به ملکوت پرواز می‌کند، با شب‌زنده‌داری ادامه می‌یابد و این روز را عید پاک[۲۳] یا رستاخیز می‌نامند. واژه تِنبریونید(Tenebrionid) یا (Tenebrionidae) و کوتاه شده آن تِنبریو(Tenebrio)، به معنای روح و یا جوهر تاریکی است که به سال ۱۹۲۰م. از زبان لاتین نوین استخراج می‌گردد(Pearsall, 1999: 1910). تِنبریسم به‌عنوان یک سبک «در تاریخ نقاشی غرب، از کنتراست مابین نور و تاریکی، با توجه به سایه روشن‌های شدید نمایشی آغاز می‌شود ... در ابتدا، اغلب نقاشان در پرتره[۲۴] سازی‌های خود، در پس زمینه آثار، سپس، در میان زمینه و سرانجام، در پیش زمینهٔ یک اثر از آن بهره می‌گیرند. در واقع، بخش قابل توجهی از نقاشی‌هایشان را به شدت تیره می‌کردند تا پرسوناژهایشان با نور درخشان از زمینه بیرون زده شوند و باعث توهمی از «سه‌بُعدنمایی» بیش‌تری در اثر نقاشی گردد. به چنین شدتی از نورپردازی درهم‌جواری تاریکی تِنبریسم و در زبان ایتالیایی تِنبروسو[۲۵] می‌گویند(URL1). در واقع، آغاز این تکنیک، و سرانجام، تبدیل شدن آن به یک شیوه و سبک را از ۱۶۰۰م.، به موازات شکل‌گیری هنر باروک می‌دانند. «واژهٔ تِنبروس(Tenebrous) نیز از لاتین و زبان قدیم فرانسه اتخاذ می‌گردد که به معنای ایجاد سایه‌روشن از دل تاریکی جهت بیان صحنه‌های دراماتیک است. هم‌چنین، لغت تِنبرِس(Tenebres)، در زبان فرانسه به معنای فرشته، شاهزاده و یا سلطان سیاهی می‌باشد و تِنبُرکس(Tenebreux) نیز با توجه به معنای رمزی آن اشاره به مکان وزمان روشنایی و تاریکی دارد. واژه تِنبریست(Tenebrist) نیز به هنرمندی گفته می‌شود که در این سبک فعال است»(Carreard,1997: 803).

واژه کیاروسکورو (Chiaroscuro) نیز به معنی سایه و روشن

www.SID.ir

Archive of SID

می‌باشد؛ لغت ترکیبی مذکور به دو قسمت برای بیان دو پدیده تقسیم می‌شود. در واقع کیارو (Chiaro) به معنی روشنایی و اِسکورو (scuro) به معنای تاریکی است و جملگی به یک تکنیک اساسی در هنر نقاشی مبدل می‌گردد. «این تکنیک، جهت شکل‌گیری تِنبریسم، ابتدا، توسط نقاش پر آوازه ایتالیایی، کاراواجیو (۱۵۷۱- ۱۶۱۰م.)، در قرن ۱۷م.، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و سپس، توسط هنرمندانی -که از او تاثیرپذیرفته بودند- متحول می‌شود. مانند تاثیرپذیری نقاش معروف فرانسوی، ژُرژ دُ لاتور،[۲۶] یا هنرمندان به نام هلندی، ژِرار وان هونت هورست[۲۷] و هِندریک تِربروگن[۲۸] و یا هنرمند شهیر اسپانیایی، فرانسیسکو دُ ثورباران»[۲۹] (Ibid:803). بدین ترتیب، با گذشت زمان، هنرمندان دیگری با سود جستن از کیاروسکورو به سبک مطروحه روی می‌آورند که در این تحقیق، به علت ازدیاد آن‌ها، تنها به برخی از آنان اشاره می‌گردد.

نگاهی به زمینه‌های تاریخی کیاروسکورو و سبک تِنبریسم

قبل از این‌که هنرمندان از سایه‌روشن و یا به عبارتی دیگر، از کیاروسکورو به‌عنوان یک فن استفاده کنند، اکثر نقاشان غربی در پرتره‌سازی‌های خویش، جهت ایجاد سه بعد نمایی و یا برجسته نمودن چهره‌سازی‌ها از تکنیک رنگ روغن و در آمیختن آن با تِمپِرا[۳۰] بهره می‌گیرند و تیره نمودن پس‌زمینه اثر سبب حجم‌نمایی و بیرون زدن چهره از سطح دوبُعدی بوم یا تخته و یا نقاشی دیواریشان می‌گردد؛ مانند اثر یان وان اِیک[۳۱] هنرمند فلاندری، به نام «مردی با عمامه سرخ» که متعلق به ۱۴۳۳م. است. وان اِیک از این تکنیک (سایه‌روشن) استفاده نموده و پس‌زمینه برخی از آثارش را عمیقا تیره می‌نماید؛ تا چهره‌سازی‌هایش، به خوبی، از زمینه جدا و کاملا برجسته به نظر آیند (تصویر۱). وی در این ترکیب‌بندی چهره و عمامه مورد نظرش را از دل تاریکی بیرون می‌کشاند و شاید، اولین اثری باشد که در آن دوران، هنرمندی تا این اندازه از فام سیاه در تقابل با رنگ‌های نسبتاً روشن، مانند رنگ صورت و عمامهٔ قرمزِ پرسوناژ بهره می‌گیرد و نیات درونی فرد نقاشی شده را به نمایش می‌گذارد. در این جا، قابل ذکر است که طبق نظر هلن گاردنر، اولین نقاشی که برای به صحنه کشیدن نیات درونی پرسوناژها از سایه‌روشن در اثرش به نام نقدینه خراج سود می‌جوید، تُماسو دی سر جیوانی دی سیمونِه کاسایی، معروف به مازاچیو[۳۲] می‌باشد. گاردنر، در این باره چنین می‌نویسد: «مازاتچیو در نقاشی دیواری نقدینه خراج ... انبوه پیکره‌ها را نه با توسل به شیوه برجسته‌نمایی کلی و به کمک نور ساده و خنثی و فاقد سرچشمه قابل تشخیص، همانند آثار جیوتو[۳۳] بلکه با استفاده از نوری نشان داده می‌شود که از منبع خاصی بیرون از صحنه تابلو، با زاویه ثابتی به پیکره‌ها می‌تابد، بخش‌هایی از اجسامی را -که بر سر راهش ایستاده‌اند- روشن می‌نماید و بقیه را در سایه می‌گذارد. این گونه رودررو کردن نور و سایه، تصور وجود نقش برجسته‌های پیکرتراشانه را در ذهن بیننده زنده می‌کند و بین دو حد نور و سایه، نور در حکم یک نیروی پیوسته فعال، اما نوسان‌دار، مستقل از پیکره‌ها و جسمی تقریبا ملموس است ... در آثار مازاتچیو ... ما نور را طوری به تصور می‌آوریم که گویی بر روی شکل‌ها

تصویر۱: مردی با عمامه سرخ، اثر یان وان اِیک، نقاش فلاندری، رنگ روغن روی تخته، متعلق به ۱۴۳۳م. (ماخذ: URL2).

تصویر۲: پرتره دختر جوان، اثر پِطروس کریستوس، نقاش نیدرلندی، رنگ روغن روی تخته، متعلق به حدود ۱۴۷۰م. (ماخذ: URL3).

تصویر۳: عیسی مسیح در حال دعای پیش از غذا، اثر هانس مِملینگ، نقاش آلمانی، رنگ روغن روی تخته، متعلق به ۱۴۷۸م. (ماخذ: URL4).

www.SID.ir

Archive of SID

جابه‌جا می‌شود، و برحسب راهنمایی هنرمند برخی را نمایان و برخی را پنهان می‌سازد(گاردنر، ۱۳۶۵: ۳۸۷ و۳۸۸).

از دیگر نقاشان پرتره‌ساز این دوران، می‌توان به پِطروس کریستوس[۳۴] نقاش نیدرلندی اشاره کرد که در پرتره‌سازی تمامی پس زمینه اثرش را تیره نمی‌کند؛ تا نه تنها عمق صحنه با وضوح بیش‌تری احساس گردد، بلکه از یک نواختی در پس‌زمینه آثارش کاسته شود(تصویر۲). در میان هنرمندان آلمانی، هانس مِملینگ[۳۵] نیز ضمن توجه به دستاوردهای مسیحیت، حضرت مسیح را در حال دعا و شکرگزاری پیش از عشای ربانی به تصویر می‌کشد. تصویری که نور تنها در چهره آن حضرت و در به نمایش گذاشتن دستانش خلاصه گردیده و مخاطب را به تمرکز نمودن به روی چهره تمام رخ نمای او وا می‌دارد(تصویر۳). هم‌چنین گِرتگِن فان هارلم،[۳۶] نقاش نیدرلندی دیگری، تولد عیسی مسیح را -که در شب اتفاق می‌افتد- زیر نور کم‌رنگ یک ستاره و فرشته‌ای -که نظاره‌گر این رویداد بزرگ تاریخی است- به دیده می‌نشاند. آسمان غرق در تاریکی است و نورِ استتار یافته به روی بدن آن حضرت، سیمای مریم مقدس را روشن و تابناک می‌کند. وی در این پرده سخن از نوری غیرمادی و ملکوتی دارد و نه نوری که از طبیعت گرفته می‌شود(تصویر۴).

بدین ترتیب، با گذشت زمان هنرمندان بسیاری، ابتدا، در چهره‌سازی و سپس، در کل فضای تصویری خود از تقابل تیرگی با روشنایی استفاده نمودند؛ تا در ترسیم پرسوناژهایشان، هم حداکثر برجستگی را به دست آورند و هم بیان کننده حالات روحی و روانی آن‌ها باشند؛ مانند خود نگاره آلبرشت دورر[۳۷] نقاش و چاپ‌گر آلمانی که چهره خود را در سنین جوانی نشان می‌دهد؛ و یا تجسم یحیی تعمید دهنده، اثر لئوناردو داوینچی[۳۸] -که در این تصویر یحیی مقدس اشاره به خداوند یکتا می‌نماید- و یا هانس هولبین[۳۹] کهتر، نقاش آلمانی، که با سود جستن از رنگ روغن و تِمپِرا روی کاغذ و انتقال آن به روی یک قطعه چوب، خانوادهٔ خود را در اوایل قرن ۱۶م. به صحنه می‌کشد. و گویای احساسات مادر به فرزندانش می‌گردد. او نیز مانند گِرتگِن فان هالِم از تیرگی در تقابل با روشنایی، تنها در پرتره‌سازی استفاده نمی‌کند. بلکه کل فضای تصویری خود را بدین گونه می‌آراید. در واقع، آثار این هنرمندان زمینه را برای شکل‌گیری تِنبریسم آماده می‌سازند(تصاویر۴-۷).

از اوایل قرن هفدهم م.، میکلانژلو مِریزی معروف به کاراواجیو، ابتدا، توجهی خاص به دستاوردهای رنسانس پیشرفته و پسین(منِریسم)[۴۰] می‌نماید؛ لیکن، چندی بعد، ضمن استفاده از دیدگاه‌های هنر باروک[۴۱] خالق سبک نوینی به نام تِنبریسم می‌گردد. بدین‌ترتیب، گروهی نیز از او پیروی می‌نمایند و این سبک را کاراواژیسم می‌نامند. وی در ابتدای فعالیتش تمامی فضای تصویری خود را تیره نمی‌کند؛ مانند اثری به نام قمارباز -که متعلق به ۱۵۹۴م. است- او، در سمت راست پس زمینه تصویر، بخش کوچکی را هم‌چنان، روشن نگه داشته؛ تا عمق صحنه مانند اثر پِطروس کریستوس، نه تنها فزونی یابد، بلکه از تنوع بیش‌تری برخوردار گردد(تصاویر۲ و ۸). با این وصف، وی در فضاسازی‌ها آهسته آهسته، فام سیاه را بیش از گذشته وارد تصویر می‌کند و

تصویر۴: تولد حضرت مسیح در شب، اثر گِرتگِن فان هارلم، معروف به سن جان، نقاش نیدرلندی، رنگ روغن روی تخته، ۱۴۹۰م. (ماخذ: URL5).

تصویر۵: خودنگاره در جوانی، اثر آلبرشت دورر، نقاش و حکاک آلمانی، رنگ روغن روی...، متعلق به ۱۴۹۳م. (ماخذ: URL6).

تصویر۶: یحیی تعمید دهنده، اثر لئوناردو داوینچی، هنرمند ایتالیایی، رنگ روغن روی تخته، متعلق به حدود ۱۵۱۳/۱۶م. (ماخذ: URL7).

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۷: خانواده هنرمند، اثر هانس هولبین (کهتر) نقاش آلمانی، رنگ روغن و تمپرا روی کاغذ و انتقال آن روی چوب، ۱۵۲۸م. (URL8).

تصویر۸: قمارباز، اثر میکلانژلو مِریزی، معروف به کاراواجیو، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۵۹۴م. (ماخذ: URL9).

تاریکی را جهت شکل‌گیری نیاتش به روشنایی ترجیح می‌دهد(تصاویر۹ و۱۰).

وی در این گونه آثار مانند قربانی کردن اسماعیل به دست ابراهیم -که متعلق به ۱۵۹۸م. است- و یا شام در عمواس -که

تصویر۹: قربانی کردن اسماعیل به دست ابراهیم، اثر کاراواجیو، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۵۹۸م. (ماخذ: URL9).

متعلق به ۱۶۰۶م. می‌باشد- ضمن شدت بخشیدن به نور و سایه (کیاروسکورو)، تمامی پرسوناژهایش را غرق در تیرگی مطلق می‌نماید؛ تا رویدادهای مذهبی جلوه‌ای حزن‌انگیز و دراماتیک یابد. در واقع، بدین گونه، تِنِبریسم زاده می‌شود و مورد استفاده دیگر نقاشان نیز قرار می‌گیرد(تصاویر۹ و۱۰).

معرفی برخی از هنرمندان و بررسی عوامل تاثیرگذار در آثار تِنِبریسم

در ادامه این روند، هنرمندان ایتالیایی دیگری -که تحت تأثیر کاراواجیو قرار گرفته بودند- با سود جستن از کیاروسکورو، این نوع نگرش را گسترش بیش‌تری دادند؛ به خصوص این‌که با نگاه کاتولیک مآبانهٔ سبک باروک و با بسیاری از ارزش‌های پروتستانیسم منافاتی نداشت و خارج از بُعد مذهبی با اسطوره‌های گذشته نیز همراه بود؛ مانند اثری از جیوانی بگلیونه[۴۲] که در زمینه موضوعات اسطوره‌ای، الههٔ شکوه و خوبی را با توجه به ویژگی‌های تِنِبریسم، حدود ۱۶۰۰م. به صحنه می‌کشد؛ و یا کریستوفانو آلوری[۴۳] با نقش نمودن افسانه تاریخی، بریدن سر هولوفرن توسط جودیت را در فضایی کاملا، تیره به نمایش می‌گذارد. در این گونه آثار هرچند که موضوع منتخبه از نگاهی مذهبی سرچشمه نمی‌گیرد، لیکن، تصورات اسطوره‌ای و یا حکایت‌های تاریخی نیز به همان اندازه شورانگیز و دارای اهمیت در جامعه آن دوران می‌گردد(تصاویر۱۱ و۱۲).

برطبق شواهد تاریخی، این نوع رویکرد(استفاده از تِنِبریسم) منحصر به کشور ایتالیا، به خصوص شهر رُم نمی‌شود؛ بلکه در دیگر نقاط جهان نیز گسترش روزافزون می‌یابد. بدین ترتیب، به غیر از هنرمندان ایتالیایی نمونه‌هایی از این نگرش

تصویر۱۰: شام در عمواس، اثر کاراواجیو، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۰۶م. (ماخذ: Ibid).

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۱: کلیو(الهه شکوه و خوبی) اثرجیوانی بگلیونه، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به حدود۱۶۰۰م. (ماخذ: URL10).

تصویر۱۲: بریدن سرهولوفرن توسط جودیت، اثرکریستوفانوآلوری، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۱۳م. (ماخذ: URL11).

را در ممالکی چون آلمان و هلند، سپس، در فرانسه، انگلیس، اسپانیا و دیگر کشورهای جهان می‌توان نظاره نمود؛ مانند صحنه شبانگاهی، اثر پیترپُل روبنس،[۴۴] نقاش فلاندری، که با ترسیم دو پرسوناژ زیر نور شمع، نوری که منحصرا، به روی چهره و دستان آنان محصور گردیده، گویای احساسات

تصویر۱۳: صحنهٔ شبانگاهی، اثرپیترپُل روبنس، نقاش فلاندری، رنگ روغن روی تخته، متعلق به ۱۶۱۷م. (ماخذ: URL12).

تصویر۱۴: تمثیل اباطیل، اثرتروفیم بیگوت، نقاش فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۵۰م. (ماخذ: URL13).

درونی پرسوناژها و آشکار نمودن هویتشان برای مخاطب می‌گردد. او در این تابلو، اشاره به چهره کودکی خردسال در کنار مادربزرگی تکیده با چشمانی کم‌سو دارد و سخن از طراوت و سرزندگی در چهره کودک و هم‌زمان فرسودگی و ناتوانی در صورت پیرزن می‌کند. و یا تروفیم بیگوت،[۴۵] نقاش فرانسوی، در اثری به نام تمثیل اباطیل، ضمن سود جستن از ویژگی‌های تِنبریسم، اشاره به فنا پذیری و نیستی انسان می‌نماید. در این اثر، نور دو شمع، نه در پیش زمینه تابلو، بلکه از پس زمینه و تا حدودی، میان زمینه به اشیای سر راهش سوسوکنان می‌تابد. و زنی جوان با انگشتش اشاره به بقایای اسکلت سرفرسوده بشری دارد و مخاطب را به تفکر هنرمند، مبنی بر سوژه‌ای تراژیک[۴۶] نزدیک می‌کند(تصاویر ۱۳ و ۱۴).

پس از چندی این گونه آثار نیز جنبه تغزلی می‌یابد و با به نمایش درآوردن نوای موسیقی و ادغام با دست آوردهای تِنبریسم به پیش باز سبک رُمانتی سیسم[۴۷] می‌روند؛ چرا که

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۵: مرد زیر نور شمع آواز می‌خواند، اثر آدام دُکُستر، نقاش فلاندری، رنگ روغن روی بوم، متعلق به حدود ۱۶۲۵/۳۵م. (ماخذ: URL14).

تصویر۱۶: کُنسرت، اثر هِندریک تربروگِن، نقاش نیدرلندی (هلندی)، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۲۷م. (ماخذ: URL15).

تصویر۱۷: ستایش عیسی مسیح، اثر جِریت فان هونت هورست، نقاش عصر طلایی هلند، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۲۰م. (ماخذ: URL16).

رُمانتیسم به نوعی واکنش احساسی در برابر خرد محوری است و گرایش به سوی خیال و رویا، دیدگاه‌های معنوی، مناسک و نماد دارد. در حقیقت رُمانتیسم، حرکتی بر ضد هنر

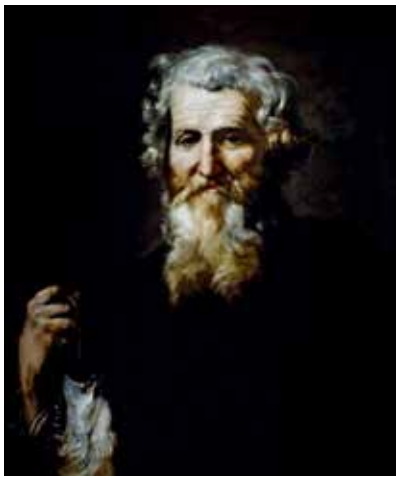

تصویر۱۸: آندرهٔ مقدس، اثر جوزه ریبرا، نقاش اسپانیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۳۰م. (ماخذ: URL17).

باروک و روکوکو: زندگی اشرافی، تجملاتی و دوران روشنگری است و هنرمندان در این دوران، خردگرایی را محدود کننده و سرکوب گر روح آدمی می‌دانند. بدین ترتیب آدام دُکُستر[۴۸] هنرمند فلاندری در اثری به نام مردی زیر نور شمع آواز می‌خواند، اشاره به ارزش‌های تغزلی، در سیاهی شب دارد؛ و یا نقاشی هلندی به نام هندریک تِربروگِن، در اثری به نام کُنسرت، همچون دُکُستر به نوای موسیقی و از این رهگذر، توجه به احساسات تغزلی بشری می‌نماید. در این تابلو، نور در مرکز اثر و بخشی از پس زمینه را روشن می‌سازد و مخاطب به فضایی نسبتا خیال انگیز و رویایی راه می‌گشاید (تصاویر ۱۵ و ۱۶).

با این وصف، گروهی از نقاشان هم چون گذشته به امور دینی توجهی خاص می‌ورزند و از سبک تِنِبریسم برای به اجرا در آوردن صحنه‌های دراماتیک و اندوهگینِ مذهبی سود می‌جویند؛ مانند دُمِنیکوس تِئوتوکوپولوس معروف به ال گرکو،[۴۹] یا دیِگو رُدریگِزدُ سیلوایی و لاسکوئز،[۵۰] هنرمندان اسپانیایی، دسته‌ای نیز هر چند که از موضوعاتی قدسی بهره می‌گیرند؛ لیکن، به غم و اندوه و سوگ نامه نمی‌پردازند؛ مانند جریت فان هونت هورست، هنرمند هلندی، جوزه ریبِرا[۵۱]، نقاش اسپانیایی و یا ژُرژدُ لا تور، نقاش فرانسوی. بدین منوال، هونت هورست در اثری به نام ستایش عیسی مسیح، نه از نور یک شمع، بلکه از نوری الهی و آسمانی استفاده می‌کند و پرسوناژهای تقدیس شده خود را در فضایی کاملا تیره به نمایش می‌گذارد؛ هر چند که ستایش آن حضرت صحنه‌ای غم انگیز نمی‌باشد. و یا جوزه ریبرا از کوئی تیسم[۵۲]

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۹: یوسف نجار و مسیح، اثرژرژدُ لاتور، نقاش فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۴۲م. (ماخذ: URL18).

تصویر۲۰: مادر و کودک، اثرژرژدُ لاتور، نقاش فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۴۵/ ۴۸ م. (ماخذ: Ibid).

سود می‌جوید؛ یعنی به‌نمایش صحنه‌ای می‌پردازد که گویای نفسی آرام و توأم با سکوت می‌باشد. وی از این نوع فضاسازی برای نمایش روان انسانی مُنزه بهره می‌گیرد؛ مانند اثری به نام آندره مقدس که در آن، نور باز هم جنبه ماورایی و ملکوتی دارد و نور در قلمرو تاریکی سبب برجسته‌تر شدن چهره و دست آن قدیس می‌گردد(تصاویر۱۷ و۱۸).

ژوژدُ لا تور، نقاش فرانسوی نیز با سود جستن از پرتو لطیف و لرزان یک شمع، چهره و دستان یوسف نجار و مسیح و یا در اثری دیگر مادر و کودک را در تاریکی مطلق به صحنه می‌کشاند و بدین گونه، دید مخاطب را به روی موضوع اثر معطوف می‌گرداند(تصاویر۱۹ و۲۰).

به هر تقدیر، هنرمندان در این دوران، سعی در استفاده از هنر باروک و هم‌زمان تِنبریسم می‌نمایند؛ و بدون این‌که به عمق‌نمایی نشأت گرفته از سبک باروک بها دهند و به برجسته‌نمایی پرسوناژهای خود توجهی خاص می‌نمایند و در این ارتباط از ویژگی‌های تِنبریسم سود می‌جویند. در واقع، جهت به‌کارگیری کیاروسکورو به طور معمول هنرمندان از سایه‌روشن‌های نوسان‌دار زیادی بهره می‌گیرند؛ لیکن در تِنبریسم، روشنایی و تاریکی از تنوع فراوانی برخوردار نمی‌گردد. بدین منظور، کیاروسکورو اجازه ژرف‌نمایی بیش‌تری را فراهم می‌کند؛ در حالی‌که تِنبریسم(سیاهی یک‌دست)، به‌نوعی از شدت عمق‌نمایی در پس‌زمینه می‌کاهد؛ هرچند که برجسته‌نمایی و یا سه‌بُعدنمایی توهمی از اهداف آن می‌باشد. دیگر این‌که تِنبریسم برای نمایش حالت عاطفی، صحنه‌های دراماتیک، سوگواری و حُزن و اندوه به‌کار گرفته می‌شود در حالی‌که در هنر باروک و روکوکو[۵۳] چنین اهدافی دنبال نمی‌شود. هم‌چنین، در سبک یاد شده سیاهی مطلق چیزی را القا نمی‌کند و نقاش برای ادراک موضوع منتخبه نیاز به مقدار اندکی روشنایی دارد؛ تا ارزش‌های زیبایی‌شناسانه خود را به نمایش بگذارد. هرچند که در هنرهای دیگر از جمله هنر باروک و روکوکو، این نگاه زیبایی‌شناسانه به صورت معکوس عمل می‌گردد و در آن، نیاز هنرمند به روشنایی بیش از تیرگی می‌باشد. نور در سبک باروک از پایین به بالا می‌تابد؛ در حالی‌که در تنبریسم، به‌خصوص در سوژه‌های مذهبی، نور برعکس از بالا به پایین تابانده می‌شود. هم‌چنین، قابل ذکر است که با نگاه نمادین، معمولا، تیرگی و سیاهی «نشانه گمراهی، اغوای دین و شیاطین، دورویی و در آثار هنری توقف، سکون، ایستایی و عدم رشد و به سوی کمال رفتن است. لیکن، تاریکی و تیرگی احساسی از سنگینی به بیننده دست می‌دهد، به همین علت در اثر هنری قسمت تاریک در بخش زیرین اثر قرار می‌گیرد و قسمت روشنایی در بالای اثر»(آیت‌الهی، ۱۳۶۴: ۱۵۴). هم‌چنین، درباره روشنایی نیز باید گفت که این پدیده نشانه «هدایت و رستگاری، به سوی خداپرستی و توحید می‌باشد، زیرا خدا نور است، نور آسمان‌ها و زمین‌ها است ... نور، روشن کننده اشیا و سایه افکننده آن‌ها است ... خروج از تیرگی‌ها به سوی نور، رهبری به راه راست را به دنبال دارد»(همان: ۱۵۷-۱۵۸).

از دیگر آثار موسوم به تِنبریسم، می‌توان به هنرمندانی چون دیرک فان بابورِن،[۵۴] آرتمیسیا جِنتیلِشی، فرانسیسکو

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۲۱: توقیف کردن حضرت مسیح، اثر دیرک فان بابورِن، نقاش هلندی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۱۶/ ۱۷م. (ماخذ: URL19).

را از روبه رو به پرسوناژهایش می تاباند و هم اشاره‌ای در پس زمینه به شمعی کوچک می نماید؛ لیکن، شمع نوری از خود ساطع نمی کند و تنها اشاره به ارزش های نمادین آن دارد(تصاویر۲۱ و ۲۲).

فرانسیسکو ثورباران، نقاش اسپانیایی نیز در این زمینه بسیار فعال بود او در اثری به نام مریم و کودک، در یک کادر عمودی تمامی سطح پیش زمینه و تا حدود زیادی میان زمینه را غرق در تاریکی می نماید و روشنایی را در قسمت فوقانی به روی حضرت مریم و مسیح، با نوری، که از بالا و از منبعی ملکوتی می تابد، به کار می گیرد؛ تا تمرکز به روی سوژه اصلی گردد. لیکن، ماتیاس اِستام، نقاش عصر طلایی هلند، با انتخاب کادری افقی صحنه بشارت را از نور شمعی در مرکز اثر، نوری مادی می گیرد؛ که نه اثری حزن انگیز، بلکه سوژه و تصویر،

تصویر۲۲: جودیت و مستخدمه اش، اثر آرتمیسیا جِنتیلِشی، نقاش ایتالیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۲۵م. (ماخذ: URL20).

تصویر۲۳: مریم و مسیح، اثر فرانسیسکو دُ ثورباران، نقاش اسپانیایی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۳۳م. (ماخذ: URL21).

ثورباران، ماتیاس اِستام،[۵۵] رامبراند وان راین،[۵۶] جوزف رایت،[۵۷] ژاک لویی داوید[۵۸] و بسیاری دیگر اشاره کرد. دیرک فان بابورِن نقاش هلندی، در اثری به نام توقیف کردن حضرت مسیح، ضمن گنجاندن انبوهی از پرسوناژها، تاریکی را از دست نمی دهد و فضای غم انگیز را با چیره دستی خاص در فضایی محدود به تصویر می کشد. در این تصویر فام سیاه- خاموش کننده رنگ ها- سبب به نمایش گذاشتن البسه های آنان می گردد؛ و یا آرتمیسیا جِنتیلِشی، نقاش ایتالیایی در اثری به نام جودیت و مستخدمه اش، هم نور

تصویر۲۴: بشارت، اثر ماتیاس استام یا استامر، نقاش عصر طلایی هلند، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۴۹م. (ماخذ: URL22).

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۲۵: کلاس درس آناتومی، اثر رامبراند وان راین، نقاش و چاپگر هلندی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۳۲م. (ماخذ: URL23).

تصویر۲۶: ساسکیا فان اویلن بورخ، اثر رامبراند وان راین، نقاش هلندی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۶۳۴/۳۵م. (ماخذ: Ibid).

شعف‌انگیز و پرنشاط می‌باشند. هرچند که پرسوناژها در تاریکی قرارگرفته‌اند(تصاویر۲۳ و ۲۴).

باتوجه به نکات مطروحه، به‌خوبی می‌توان دریافت که گروهی از هنرمندان، در به کارگیری تِنبریسم همیشه از قوانین از پیش تعیین شده که شرح آن گذشت و دیدگاه‌های مذهبی استفاده نمی‌کنند؛ بلکه با سود جستن از تکنیک نامبرده آثاری می‌آفرینند که گویای فضایی دیگر می‌باشد. به طور مثال، رامبراند وان راین در اثری به نام کلاس درس آناتومی در ساختار تصویری تیرگی‌ها را برای به نمایش درآوردن روشنی‌های خود برگزیده و نه برای القانمودن موضوعی

تصویر۲۷: مسیح بیماری را مداوا می‌کند، اثر رامبراند وان راین، نقاش و چاپگر هلندی، گراوورسازی، شیوه اِچینگ (تیزابی)، متعلق به ۱۶۴۳/۴۹م. (ماخذ: URL23).

تراژیک. وی در اثر دیگری از این نوع، برای به صحنه کشیدن نیم‌تنه و نیم‌رخ همسر خود، ساسکیا فان اویلن بورخ، از سایه‌روشن‌های ملایم و شدید برای بیرون کشیدن پرسوناژ از دل تاریکی بهره می‌گیرد(تصاویر۲۵ و ۲۶).

او در اثری به نام «مسیح بیماری را مداوا می‌کند»، با سود جستن از چاپ‌دستی و یا به‌عبارتی دیگر، گراوور سازی و بهره‌گیری از شیوه اِچینگ[۵۹] (تیزابی) در فضایی سیاه و سفید، از ویژگی‌های تِنبریسم استفاده می‌نماید؛ لیکن، خارج از فضای متداول، ضمن استفاده از خاکستری‌های ضروری، بخشی از اثر را -که در کادری افقی است(سمت راست)- در تاریکی و بخشی دیگر(سمت چپ) را در روشنایی قرار می‌دهد؛ که حرکتی تازه در به کارگیری این سبک می‌باشد و طبق روش معمول تمامی فضا را در تاریکی خلاصه نمی‌کند(تصویر۲۷).

جوزف رایت، نقاش انگلیسی نیز با توجه به رویاپردازی، فیلسوفی را به تصویر می‌کشد که در حال سخنوری و نمایش گوی جهان‌نما می‌باشد؛

و بدین طریق، به پیش‌باز سبک سوررئالیسم[۶۰] می‌رود. وی در این تصویر، از حداکثر تیرگی و سایه‌روشن در یک کادر افقی، جهت برجسته‌نمایی پرسوناژهایش استفاده می‌نماید. لیکن، ژاک لویی داوید، هنرمند فرانسوی وقت، بالعکس، در اثری به نام مرگ مارا، با انتخاب یک کادر عمودی و موضوعی واقع‌گرایانه و حزن‌انگیز، نه در قسمت چپ و راست نقاشی، بلکه قسمت فوقانی اثر را غرق در تیرگی و قسمت زیرین را با سود جستن از سایه و نیم‌سایه‌ها روشن می‌نماید؛ تا نگاه دراماتیک در کل فضای اثر مطروحه کاملا احساس گردد(تصاویر۲۸ و ۲۹).

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۲۸: فیلسوف درباره گوی افلاک نما سخن می‌گوید، اثر جوزف رایت، نقاش انگلیسی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به حدود ۱۷۶۵م. (ماخذ: URL24).

نظری اجمالی به دست‌آوردهای تِنبریسم، از قرن نوزدهم میلادی تا به امروز

تِنبریسم و یا به‌عبارتی دیگر کاراواژیسم، تنها در نقاشی و چاپ‌دستی قرون ۱۷ و ۱۸م. به‌نمایش در نمی‌آید؛ بلکه ادامه تظاهرات آن را به غیر از نقاشی و گراوورسازی‌های یاد شده -که هم‌چنان با ادغام در سبک‌های تازه‌تر به کار گرفته می‌شود- می‌توان در دیگر آثار هنرهای تجسمی نیز مانند عکاسی و یا فیلم سینما، از قرن ۱۹میلادی تا به امروز، نظاره نمود. درواقع، تِنبریسم، نه تنها توسط هنرمندانی چون فرانسیسکو گویا[۶۱] نقاش و چاپگر پرآوازه اسپانیایی و یا اُنوره دُ میه[۶۲] تصویرگر و گراوورساز مشهور فرانسوی، در سبک و سیاق‌های نوآورانه آنان و دیگر هنرمندان نوگرا ادامه می‌یابد(تصاویر ۳۰ و ۳۱)، بلکه می‌توان نمونه‌هایی از چنین برداشتی را در هنر عکاسی و ادغام آن را در برخی از شیوه‌های چاپ دستی، هم‌چون فتواِچینگ[۶۳] و سرانجام، در بعضی از آثار عکاسی و سینمایی قرن حاضر رؤیت کرد؛ مانند منظره‌هایی از هنرمندی ناشناخته به نام جنگل در تاریکی، که گویای ارزش‌های زیبایی‌شناسانه سبک رُمانتیک نیز می‌باشد. هنرمند مطروحه در این گونه تصاویر، ضمن اشاره به سیاهی شب با سود جستن از قالب‌هایی عمودی و افقی، نوری بخارآلود و یا فضایی مه گرفته را از دوردست به صحنه می‌کشد که با دیدگاه‌های گذشته در تِنبریسم تناقض دارد؛ یعنی به جای این‌که فضای دوردست را تیره نماید، برعکس غرق در روشنایی نموده است(تصاویر ۳۲ و ۳۳).

و یا آثاری که هنرمندانی دیگر، ضمن استفاده از سبک‌هایی چون رئالیسم،کوبیسم، سوررئالیسم و یا ادغام برخی از

تصویر۲۹: مرگ مارا، اثر ژاک لویی داوید، نقاش فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به ۱۷۹۳م. (ماخذ: URL25).

تصویر۳۰: حضرت مسیح در کنار کوه زیتون، اثر فرانسیسکو گویا، نقاش و چاپگر اسپانیایی، رنگ روغن روی تخته، متعلق به ۱۸۱۹م. (ماخذ: URL26).

تصویر۳۱: دلقک، اثر اُنوره دُمیه، هنرمند فرانسوی، رنگ روغن روی بوم، متعلق به حدود ۱۸۶۳م. (ماخذ: URL27).

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۳۲: جنگل در تاریکی شب، اثر هنرمندی ناشناخته، میکس تکنیک، متعلق به قرن حاضر(ماخذ: URL28).

تصویر۳۳: جنگل در تاریکی شب، اثر هنرمندی ناشناخته، میکس تکنیک، متعلق به قرن حاضر(ماخذ: Ibid).

تصویر۳۴: پرتره دختر جوان، اثر هنرمندی ناشناخته، عکاسی رنگی، متعلق به قرن حاضر(ماخذ: URL28).

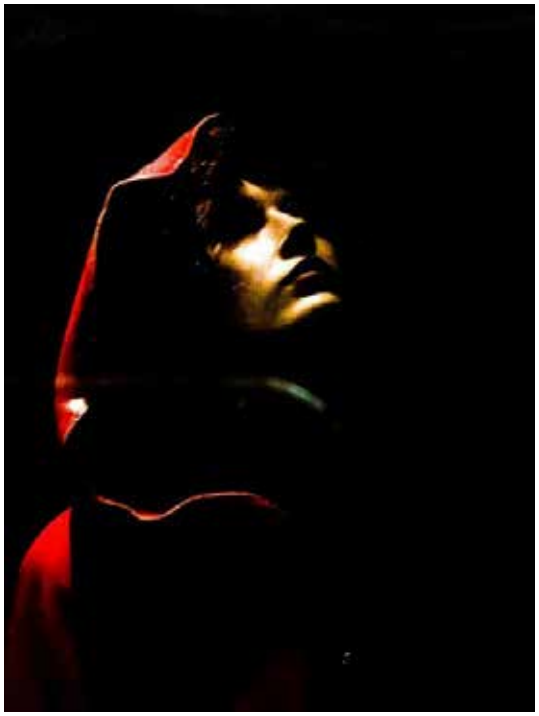

تصویر۳۵: پرتره، اثر هنرمندی گمنام، عکاسی رنگی، متعلق به قرن حاضر(ماخذ: Ibid).

تصویر۳۶: پرتره، با سود جستن از سایه روشن (کیاروسکورو) اثر هنرمندی گمنام، عکاسی، متعلق به قرن حاضر(ماخذ: Ibid).

تصویر۳۷: خودنگاره، اثر ریان بِری، عکاسی چندوجهی (از زوایای مختلف) متعلق به قرن حاضر(ماخذ: URL29).

www.SID.ir

Archive of SID

آن‌ها باهم، در نمایش چهره‌سازی‌ها، هم از هنر عکاسی و هم از ویژگی‌های تِنبریسم، به صورت سیاه و سفید و یا رنگی، توأمان با یک دیگر بهره می‌گیرند(تصاویر ۳۴- ۳۶). هم‌چنین، به‌کارگیری عکاسی به‌صورت چندوجهی، توسط هنرمندی به نام ریان بری[۶۴] با تاثیرپذیری از کوبیسم به‌وجود می‌آید(تصویر ۳۷). بدین ترتیب، تِنبریسم در فیلم و سینما نیز مورد استفاده بسیار قرار می‌گیرد که بررسی آن، در این مختصر نمی‌گنجد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آن‌چه که در این مقاله مطرح گردید، به‌خوبی، می‌توان به ساختار بصری آثار موسوم به تِنبریسم و تاثیراتی که هنرمندان از دیدگاه‌های اسطوره‌ای و مذهبی، در لوای فرهنگ‌های گوناگون گرفته‌اند از یک سو، و در جست و جوی نوگرایی و رسیدن به بیانی تازه، در ارتباط با تراژدی‌های گوناگون و یا بالعکس با به‌کارگیری موضوعات غیرتراژیک، مانند بشارت، تولد حضرت مسیح -که صحنه‌های شادی بخش مذهبی است- سوژه‌های شاعرانه، رویایی و موسیقایی در فضایی رُمانتیک و یا سود جستن از تصاویر نسبتا رئالیستی، و یا بالعکس خیال‌پردازانه، ضمن استفاده از هنرهای دیگری، مانند عکاسی با انتخاب موضوعات غیراسطوره‌ای و مذهبی، تفکرات روشن‌فکرانه و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه از دیگر سو، واقف گشت. لذا، با توجه به نتیجه حاصل آمده، ابتدا، به پرسش‌های مطرح شده در این تحقیق، پاسخ داده می‌شود که راه‌گشای ابهامات بسیاری در این زمینه می‌باشد. جهت پاسخ‌گویی به اولین پرسش، باید گفت که، در شکل‌گیری اندیشه و فضاسازی‌های به‌وجود آمده در آثار یاد شده، هنرمندان، نه تنها همیشه توجه به ارزش‌های مذهبی، به غیر از دوران طلایی مسیحیت، نداشته‌اند و به‌دنبال هم آوایی با دستاوردهای دینی نبوده‌اند، بلکه در گذشته‌های دور، گروهی از تفکرات و برداشت‌های مذهبی بهره جسته و نور را هم‌ذات با خداوند پنداشته‌اند؛ یعنی تفکرات و برداشت‌هایی که از ارزش‌های عرفانی و یا از تخیلات ماورایی سرچشمه گرفته است؛ و گروهی نیز هم‌چون گذشته توجهی خاص به دستاوردهای اسطوره‌ای از یک سو، و ارزش‌های افسانه‌ای و تاریخی، زمینی، مادی و این جهانی از دیگر سو، نموده‌اند. در واقع، نه تنها برداشت‌های نوین‌شان نتیجه تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی گوناگون، رو به ضعف گذاشتن دیدگاه‌های مذهبی و نضج گرفتن اختراعات و اکتشافات، با پیشرفت علوم و فنون، هم‌چنین، شکل‌گیری تکنیک رنگ‌روغن و چاپ‌دستی می‌باشد؛ بلکه هنرمندان غربی تحت تاثیر نظریات و رویکردهای مختلف، تفکرات و دیدگاه‌های فیلسوفان، دانشمندان و ادیبان یاد شده نیز قرار داشته‌اند و بدین ترتیب، معنا و مفهوم نور را از عرش به فرش تبدیل کرده‌اند. در پاسخ به دومین پرسش، باید اظهار نمود که، قبل از این دوران، کیاروسکورو در بسیاری از آثار هنری به‌وضوح وجود داشته؛ اما شدت بخشیدن به آن در پرتره‌سازی‌ها حرکتی تازه بوده و در کل فضای اثر معمول نبوده است. در پاسخ به سومین پرسش، باید گفت هرچند که، در ابتدا، تِنبریسم در هنر نقاشی به نمایش در می‌آید، لیکن، چندی بعد نه تنها در شهرهای دیگر ایتالیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه به دیگر کشورها مانند اسپانیا، فرانسه و انگلیس، هم‌چنین، فلاندر، آلمان، هلند و غیره نیز رهسپار می‌گردد و از شیوه به سبک تبدیل می‌شود. هم‌چنین، نه فقط در هنرهای نامبرده جلوه می‌کند، بلکه در دیگر هنرهای تجسمی نیز مصداق می‌یابد؛ به همین علت هنرمندان اروپایی، زمانی طبق اصول و قوانین مذهبی خویش به آثارشان نگریسته‌اند و زمانی نیز تحت تأثیر دگرگونی‌های علمی و رخدادهای جدید قرار گرفته‌اند و سرانجام، به دنبال تجدد خواهی تغییراتی بسیار گسترده در آثارشان داده‌اند. به طور مثال، آثاری که در قرن هفده میلادی با پیشرفت علوم گوناگون، به‌خصوص در فلسفه، ادبیات و موسیقی به‌وجود آمده‌اند و به عصر روشنگری شهرت یافته‌اند، گویای پیشرفت و جنبشی هستند که به افول دیدگاه‌های مذهبی و ارزش‌های اعتقادی آنان دامن زده‌اند. یعنی رویکرد و اعتقاداتی که با دستاوردهای قرون وسطی قابل مقایسه نمی‌باشند. در این پیشرفت‌ها، نقاشی دیواری، مینیاتورسازی، نقاشی سه‌پایه‌ای، چاپ‌دستی، مجسمه‌سازی و چندی بعد، هنر عکاسی و سینمایی نیز در غرب دگرگون گشته و به سبک‌ها و فضاهایی نوین استحاله یافته و نشان‌دهندهٔ نوع تفکر و تغییر و تحولی است که تا به امروز، در چرخه آثار هنری آنان ادامه یافته و بیان‌کننده تفاوت‌هایی است که در بطن آثارشان، به‌خوبی، احساس می‌گردد.. بدین‌ترتیب، بی‌هیچ شک و شبهه‌ای نقش پُررنگ زمان و مکان و دیگر عوامل یاد شده را به‌خوبی،

www.SID.ir

Archive of SID

می‌توان در این گونه آثار نظاره نمود. سرانجام، با وصفی که گذشت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که آثار شکل گرفته با موضوع تِنبریسم، ضمن داشتن هم‌سانی‌های ظاهری، در برگیرنده اختلافات بنیادی و ذاتیِ بسیاری با یک‌دیگر می‌باشند؛ لذا، برای روشن شدن دگرگونی‌های شکل گرفته بین هنر باروک و تِنبریسم، اجمالا، در ذیل این سطور به وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها اشاره می‌شود. هم‌چنین، امید می‌رود؛ تحقیق حاضر -که در زمینه بررسی ساختار بصری آثار موسوم به تِنبریسم است- باعث انگیزه و دست‌مایه‌ای شود، تا پژوهش‌گران و صاحب‌نظران آتی، این موضوع را به صورت موشکافانه‌تری مورد پژوهش قرار دهند؛ تا نکات بسیار ارزشمند دیگری آشکار و از طریق تحلیل فضاهای یاد شده عمیقا، رمزگشایی بیش‌تری گردد و سرانجام، با کشف واقعیت‌هایی که تاکنون محققین به آن‌ها دست نیافته‌اند، راهی به شناخت بهتر این گونه آثار - که همان آگاهی بیش‌تر از تغییر و تحولات هنرهای تجسمی و تاثیرپذیری آن‌ها از تِنبریسم است- گشوده شود.

وجوه اشتراک

۱) هنر باروک و تِنبریسم، تقریبا، آن‌ها هم‌زمان در ایتالیا شکل می‌گیرند.

۲) استفاده بسیاری از دست‌آوردهای باروک در فضای آثار تِنبریسم می‌باشد.

۳) استفاده از مواد و مصالحی است که در هر دو هنر، روی تخته‌های چوبی و یا بوم نقاشی و یا چاپ دستی دیده می‌شود.

۴) بخشی از موضوعاتی را که در هنر باروک به تصویر کشیده‌اند، در تِنبریسم نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ مانند پرتره‌سازی‌ها.

۵) سبک تِنبریسم در اروپا همانند هنر باروک فراگیر می‌شود؛ هرچند که ظاهرا شهرت کم‌تری دارد.

وجوه افتراق

۱) توجهی که هنرمندان به تیرگی در تقابل با روشنی، در سبک تنبریسم، نسبت به هنر باروک دارند.

۲) شدت بخشیدن به کیاروسکورو، برخلاف سبک باروک و استفاده نکردن از سایه‌های ملایم است.

۳) به کارگیری برجسته‌نمایی‌های اغراق‌آمیز است؛ تا اثر، مجسمه‌وار جلوه کند.

۴) بهره‌گیری از رنگ‌های محدود تا سیاهی و تیرگی به کل فضای اثر غلبه نماید.

۵) در انتخاب موضوع، برخلاف هنر باروک، دور شدن از تزیین، هنری اشرافی و تجملی می‌باشد.

پی‌نوشت

1. Chiaroscuro.
2. Darknes.
3. Tenebrism.
4. Caravaggism.
5. H. W. Janson(1913 – 1982).
6. نک. (جنسن، ۱۳۵۹: ۴۰۱ و ۴۰۲).
7. Helen Gardner(1878 – 1946).
8. نک. (گاردنر، ۱۳۶۵: ۵۱۱ و ۵۱۲).
9. Hjorvardur Harvard Arnason(1909 – 1986).
10. نک. (آرناسن، ۱۳۶۷: ۱۷ الی ۶۰۲).
11. Sir Herbert Edvard Read(1893 – 1968).
12. Michelangelo Merisi called Caravaggio(1571 – 1610).
13. نک. (رید، ۱۳۶۷: ۱۲۷).
14. Fredrick Hartt(1914 – 1991).
15. Artemisia Gentileschi(1593 – 1653/6).
16. نک. (هارت، ۱۳۸۲: ۷۷۲ الی ۷۷۵).
17. Dennis J Sporre(1944 – age 73(.
18. نک. (اسپور، ۱۳۹۲: ۲۹۲).
19. Marilyn Stokstad(1929 – 2016).
20. نک. (اِستاکستاد، ۱۳۹۵: ۳۶۷ و ۳۶۸).
21. Etymologie.

www.SID.ir

Archive of SID

22. Dramatic.
23. Easter.
24. Portrait.
25. Tenebroso.
26. Georege de la Tour(1593 – 1652).
27. Gerrit Van Honthorst(1592 – 1656).
28. Hendrick – Ter – Brugghen(1588 – 1629).
29. Francisco de Zurbaran(1598 – 1664).
30. Tempera see(Tempura).
31. Jan Van Eyck(1395 – 1441).
32. Tommaso di Ser Giovanni di Simone Called Masaccio(1401 – 1428).
33. Giotto di Bondone(c.1270 – 1337).
34. Petrus Christus(1410/20 – 1475/76).
35. Hans Memling(1430 – 1494).
36. Geertgen Van Haarlem Called Geertgen Tot Sint Jans(1465 – 1495).
37. Albrecht Durer(1471- 1528).
38. Leonardo da Vinci(1452 – 1519).
39. Hans Holbein The younger(1497 – 1543).
40. Manerism.
41. Baroque.
42. Giovanni Baglione(1566 – 1643).
43. Cristofano Allori(1577 – 1621).
44. Peter Paul Rubens(1577 – 1640).
45. Trophine Bigot(1579 – 1650).
46. Tragedy(Tragique).
47. Romantisism.
48. Adam de Coster(1586 – 1643).
49. Domenikos Theotocopoulos Called El Greco(1541 – 1614).
50. Diego Rodriguez de Silva y Velazquez(1599 – 1660).
51. Jose de Ribera(1591 – 1652).

۵۲.کوئی تیسم (Quitism)، آرامش گرایی که نشأت گرفته از فرقه متصوفه اهل سکوت است.

53. Rococo.
54. Dirck Van Baburen(1595 – 1624).
55. Matthias Stomer(1600 – 1652).
56. Rembrandt Harmenzoon Van Rijn(1606 – 1669).
57. Joseph Wright of Derby(1734 – 1797).
58. Jacques Louis David(1745 – 1825).
59. Etching.
60. Surrealism.
61. Francisco Goya(1746 – 1828).
62. Honore Daumier(1808 – 1879).
63. Photo Etching.
64. Ryan Berry.

منابع

- آرناسن، یوروارد ورهارواد(۱۳۶۷). ***تاریخ هنر نوین***، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: زرین و نگاه.
- آیت الهی، حبیب الله(۱۳۶۴). ***هنر چیست***، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- آیتو، جان(۱۳۸۶). ***فرهنگ ریشه شناسی انگلیسی***، ترجمه حمید کاشانی، تهران: فرهنگ نشر نو معین.
- اِسپور، دِنیس(۱۳۹۲). ***انگیزه آفرینندگی در سیر تاریخی هنرها***، ترجمه امیر جلال الدین اعلم، چ. دوم، تهران: نیلوفر و دوستان.
- اِستاکستاد، مریلین(۱۳۹۵). ***تاریخ هنر***، ترجمه بهزاد سلماسی، آناهیتا مقبلی و گروهی از مترجمان، تهران: فخرا کیا.
- جنسن، ه. و.(۱۳۵۹). ***تاریخ هنر از سپیده دم تاریخ تا زمان حاضر***، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رید، هربرت و هیأت مؤلفان(۱۳۶۷). ***کتاب هنر***، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- گاردنر، هلن(۱۳۶۵). ***هنر در گذر زمان***، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: آگاه.
- هارت، فردریک(۱۳۸۲). ***سی دو هزار سال تاریخ هنر***، ترجمه موسی اکرمی و همکاران، تهران: پیکان.
- Aryanpur, A. & Aryanpur, M. (1986). *The English – Persian Collegiate Dictionary*. (Vol. II). Tehran: Amir Kabir.
- Corréard, M.H. & Grundy, V. (1997). *The Oxford – Hachette French Dictionary (French – English / English – French).* New

www.SID.ir

Archive of SID

York: Oxford University Press.
- Gioan, P. (1973). *Dictionaire Ussuel, Quillet*. Paris: Flammarion
- Pearsall, J. (1999). *The New Oxford Dictionary of English*. Oxford University Press.

URLs:
- URL1. http://www. Encyclopedia Britannica. Com/art/Tenebrism(Access date: 15/4/2016)
- URL2. https://www.google.com/Jan van Eyck(Access date:20/8/2017)
- URL3. http://www.google.com/Petrus Christus(Access date: ibid)
- URL4. https://www.google.com/Hans Memling(Access date:20/8/2017)
- URL5. https://www.google.com/Geertgen Van Harlem(Access date: ibid)
- URL6. http://www.google.com/Albrecht Durer(Access date: 22/8/2017)
- URL7. http://www.google.com/Leonardo da Vinci(Access date: ibid)
- URL8. http://www.google.com/ Hans Holbein(Access date:24/8/2017)
- URL9. https://www.google.com/Caravaggio(Access date: ibid)
- URL10. https://www.google.com/Giovanni Baglione(Access date:29/8/2017)
- URL11. https://www.google.com/Christofano Allori(Access date:ibid)
- URL12. https://www.google.com/Peter Paul Rubens(Access date: ibid)
- URL13. http://www.google.com/Trophine Bigot(Access date:ibid)
- URL14. https://www.google.com/Adam de Coster(Access date:2/9/2017)
- URL15. http://www.google.com/Hendrick-Ter-Bruggen(Access date:ibid)
- URL16. https://www.google.com/Gerrit Van Honthorst(Access date:5/9/2017)
- URL17. https://www.google.com/Jose de Ribera(Access date:ibid)
- URL18. https://www.google.com/Georege de la Tour(Access date:7/9/2017)
- URL19. https://www.google.com/Dirck Van Baburen(Access date: Ibid)
- URL20. https://www.google.com/Artemisia Gentileschi(Access date: ibid)
- URL21. https://www.google.com/Francisco de Zurbaran(Access date:9/9/2017)
- URL22. https://www.google.com/Matthias Stom(Access date: ibid)
- URL23. http://www.google.com/Rembrandt Van Rijn(Access date:ibid)
- URL24. http://www.google.com/Joseph Wright(Access date:12/9/2017)
- URL25. http:// www.google.com/Jacques Louis David(Access date: ibid)
- URL26. http://www.google.com/Francisco Goya(Access date: ibid)
- URL27. http://www.google.com/Honore Daumier(Access date: ibid)
- URL28. http://www.google.com/Dark Jungle/Collection by pipo(Access date: ibid)
- URL29. http://www.google.com/ Ryan Berry/Photography(Access date: 15/9/2017)

www.SID.ir

Archive of SID

The Analysis of Aesthetics of Light in Tenebrism (Since 15th Century to the Present)

Jalaleddin Soltan Kashefi
Professor, Faculty of Visual Arts
University of Art, Tehran, Iran.
Email: soltankashefi@gmail.com

Abstract:

The 17th century is well known as the beginning of the continent of Europe's entry into new eras following Middle Ages and even the age of renaissance, when political, economic, philosophical, scientific, cultural and artistic movements emerged. During this period, the ideas of Rene Decart, John lock and other French and British philosophers' as well as viewpoints of scientists such as Blerr Pascall and Isaac Newton, Physicians from the same countries and William Shakespeare the English poet and writer, made significant changes and alterations to previous ideologies, beliefs and principles. At the same time, with the blossoming of Opera, refining of the instruments of modern orchestra and performing sounds in a multi tone manner (polyphony) instead of one melody (monophony), a new era began in music.

These revolutions are called the age of enlightenment: the arts are intermingled with intellectualism, self-admiration, materialism and to some extent spiritualism in this new age. And from among all this, Baroque style was born. In fact, Baroque is recognised as aristocratic, luxurious, counter-mannerist and regarding concept, a spiritual one, yet a materialistic art in terms of skill.

One of the Italian artists of this era, i.e. Michelangelo Merisi, better known as Caravaggio, uses this style with a distinct outlook towards light and shade (Chiaroscuro), and creates a new style called 'Tenebrism'. Therefore, artists such as the French painter, Georges de La Tour, or the Dutch painter and print-maker, Rembrandt Harmenszoon van Rijn, and many others were immensely influenced by the aesthetics of light and made more efforts to use this notion as compared to the past artists.

The term Tenebrism is derived from the Latin word Tenebrea (meaning to dive into the depth of darkness) which is rooted in Christianity as well. As a style of painting within the history of Western art, Tenebrism begins with using the contrast between light and darkness as a theatrical element. Most artists use it first in the background of their paintings, then in the middle lastly in the foreground. In fact, they start by a making a part of their work very dark and then use the light to make the main part of painting to pop out and give the illusion of a three-dimensional work of art. This contrast between light and dark is called Tenebrosso in the Italian language. Likewise, Tenebres in the French language means angel, prince or king of darkness. The word Tenebrist also refers to an artist who is creating works of art in the framework of Tenebrism style.

The paper at hands intends to analyze, examine and explore the visual construction and influential factors in aesthetics of light within Tenebrism. To this purpose, first the main question of this research is answered: How and why under the influence of new scientific experiments, the meaning of light has changed from that of a divine and sacred element in the past into a materialistic and worldly component in Western paintings?

The research findings indicate that Tenebrism is the revelation of light within darkness; due to the firm belief and ideology of a lot of Western artists that everything (including the existence and light) is born from within the heart of darkness. Similarly, in Greek mythology, Apollo, the god of light, dispenses light far and wide while riding on his horse, in order to defeat darkness; Or in the middle ages, light was considered as a manifestation of God.

The study comes to the conclusion that the age of enlightenment turned to be a notable era for transforming the preceding notions. Consequently, in a few paintings of this period, light concentrates only on the main subject to highly distinguish objects and characters; and it leaves the rest of the visual space in darkness. In fact, attention to such conception in few of art

www.SID.ir

Archive of SID

works of this period is not only driven from mythical and religious motives, but also from enlightening values and aesthetical understandings, all of which have been revealed in this study.

Key Words: Tenebrism, Chiaroscuro, Caravaggio, light within darkness, George de la Tour, Rembrandt van Rijn.

References:

- Arnason, H. H. (1988). *A History of Modern Art.* (Mohamad Taghi Faramazi, Trans.). Tehran: Zarrin & Negah.
- Aryanpur, A. & Aryanpur, M. (1986). *The English – Persian Collegiate Dictionary*. (Vol. II). Tehran: Amir Kabir.
- Ayatollahi, H. (1985). *What is Art?* Tehran: Raja Cultural Publications.
- Ayto, J. (2007). *Word Origins: The Hidden Histories of English Words from A to Z*. (Hamid Kashani, Trans.). Tehran: Farhang-e Nashre No & Moeen.
- Corréard, M.H. & Grundy, V. (1997). *The Oxford – Hachette French Dictionary (French – English / English – French).* New York: Oxford University Press.
- Dayvis, D. (2009). *Janson's the History of Art*. (Farzan Sojudi et. al).Tehran: Farhangsaraye Mirdashti.
- Gardner, H. (1986). *Art Through the Ages*. (Mohamad Taghi Framarzi, Trans.). Tehran: Agah.
- Gioan, P. (1973). *Dictionaire Ussuel, Quillet*. Paris: Flammarion.
- Hartt, F. (2003). Art: *A History of Painting, Sculpture, Architecture*. (Musa Akrami et. al.Trans.).Tehran: Paykan.
- Janson, H.W. (1980). *The History of Art*. (Parviz Marzban, Trans.). Tehran: Amuzeshe Enghelabe Eslami.
- Pakbaz, R. (1990). *Searching for a New Language* (Painting in Modern era). Tehran: Negah.
- Pakbaz, R. (1999). *Encyclopedia of Art (Painting, Sculpture, Graphic Arts).* Tehran: Farhang-e Moaser.
- Pearsall, J. (1999). *The New Oxford Dictionary of English*. Oxford University Press.
- Read, H. (1988). *The Book of Art*. (Yaghub Azhand, Trans.). Tehran: Mola.
- Sporre, D. J. (2013). *The Creative Impulses: An Introduction to the Arts*. (Amir Jalaleddin Aalam, Trans.). Tehran: Niloofar & Dustan.
- Stokstad, M. (2016). *Art: A Brief History.* (Behzad Salmasi & Anahita Moghbeli, et. al., Trans.). Tehran: Fakhrakiya.

URLs:

- URL1. http://www. Encyclopedia Britannica. Com/art/Tenebrism(Access date: 15/4/2016)
- URL2. https://www.google.com/Jan van Eyck(Access date:20/8/2017)
- URL3. http://www.google.com/Petrus Christus(Access date: ibid)
- URL4. https://www.google.com/Hans Memling(Access date:20/8/2017)
- URL5. https://www.google.com/Geertgen Van Harlem(Access date: ibid)
- URL6. http://www.google.com/Albrecht Durer(Access date: 22/8/2017)
- URL7. http://www.google.com/Leonardo da Vinci(Access date: ibid)
- URL8. http://www.google.com/ Hans Holbein(Access date:24/8/2017)
- URL9. https://www.google.com/Caravaggio(Access date: ibid)
- URL10. https://www.google.com/Giovanni Baglione(Access date:29/8/2017)
- URL11. https://www.google.com/Christofano Allori(Access date:ibid)
- URL12. https://www.google.com/Peter Paul Rubens(Access date: ibid)
- URL13. http://www.google.com/Trophine Bigot(Access date:ibid)
- URL14. https://www.google.com/Adam de Coster(Access date:2/9/2017)
- URL15. http://www.google.com/Hendrick-Ter-Bruggen(Access date:ibid)
- URL16. https://www.google.com/Gerrit Van Honthorst(Access date:5/9/2017)
- URL17. https://www.google.com/Jose de Ribera(access date:ibid)
- URL18. https://www.google.com/Georege de la Tour(Access date:7/9/2017)
- URL19. https://www.google.com/Dirck Van Baburen(Access date: Ibid)
- URL20. https://www.google.com/Artemisia Gentileschi(access date: ibid)
- URL21. https://www.google.com/Francisco de Zurbaran(Access date:9/9/2017)
- URL22. https://www.google.com/Matthias Stom(Access date: ibid)
- URL23. http://www.google.com/Rembrandt Van Rijn(Access date:ibid)
- URL24. http://www.google.com/Joseph Wright(Access date:12/9/2017)
- URL25. http www.google.com/Jacques Louis David(access date: ibid)
- URL26. http://www.google.com/Francisco Goya(Access date: ibid)
- URL27. http://www.google.com/Honore Daumier(Access date: ibid)
- URL28. http://www.google.com/Dark Jungle/Collection by pipo(Access date: ibid)
- URL29. http://www.google.com/ Ryan Berry/Photography(15/9/2017)

www.SID.ir